

فصل سکوت

نسل سکوت در فصل سکوت...

این موضوع را پدران و مادرانی که دو سه دهه از شروع جوانی‌شان گذشته، بیشتر و بهتر درک می‌کنند و حسِ ملموس‌تری از آن دارند.

شرایط جوانی و به اصطلاح «جوانی کردن» در فاصله این سال‌ها چنان متفاوت شده است که اگر پدر و مادر آن دوره، از خاطراتش برای فرزند جوان امروزش بگویند شاید به نظر باورپذیر نباشد. در حقیقت دغدغه‌های متفاوت این دو نسل چنان از هم دور شده است که هر چه بیشتر اصرار بر فهماندن آن می‌کنی، بیشتر دور می‌شوی!

مگر برای جوانِ امروز باور کردنی است که ارتباط میان دختر و پسر در آن دوران با چه مرارتی بوده و نوشتن چند سطر عاشقانه و رساندن به دست معشوق - با هزار ترس و دلهره - چه حکایتی داشته است؟ آیا قبول می‌کند که برداشت و نگاه اطرافیان در آن زمان نسبت به چنین ارتباط ساده و سالمی، غیرقابل قبول بوده است؟ اصلاً وقتی این حرف‌ها (یا خاطرات) را برای امروزی‌ها، با تمام امکانات اجتماعی موجود تعریف می‌کنی مثل نسل دوره فجر به تو نگاه می‌کنند! مگر می‌شود دختر و پسری چند سال در دانشگاه هم کلاس باشند و در احوالپرسی کردن با همدیگر ملاحظه داشته باشند؟ مگر امکان دارد جایی مثل کافی شاپ‌های امروزی (معادل فارسی‌اش مفهوم را نمی‌رساند!) برای نشستن و گپ زدن‌های دوستانه نبوده باشد؟ اصلاً چه معنایی دارد که پسری برای دختری چند بیت شعر از میان اشعار شاعران کهن یا نو پیدا کند و در محافظه کارانه‌ترین شکل، عشق خود را در لفافه آن اشعار با کلمات پیچیده و سخت! بیان کند؟ امروز با تایپ دو سه کلمه می‌شود ابراز علاقه (و حتی عشق) کرد و دو سه ساعت بعد، از آن فارغ شد. بگذریم که می‌توان در آن واحد از جملات مشابه برای چندین نفر استفاده کرد و خیلی هم عادی به نظر برسد، برای هر دو طرف!

واقعیت آن است که اگر جوان آن دوران بوده باشی، بهتر است خاطرات عاشقانه‌ات را برای هم نسلان خود نگه‌داری و به امروزی‌ها کمتر توضیحی بدهی. شاید این گونه کمتر با حسِ ترحم به تو نگاه کنند! و هیچوقت هم ندانند که تو فرزند سکوت بوده‌ای و هستی.

قصه‌گوی امروز در داستان‌هایش به خوبی تجربه‌های آن سال‌ها را در میان رمان، به مخاطبان خود منتقل می‌کند. شاید هم یکی از مهم‌ترین کارکردهای رمان همین ترسیم حس و حالِ زمان و مکان است به کسانی که کوچکترین قرباتی با آن شرایط نداشته و ندارند. او داستان‌ش را در بستر لازم پهن می‌نماید، مخاطب را به آن زمان پرتاب می‌کند و وادارش می‌سازد تا با قصه همراه شود. این گونه است که می‌توان فاصله نسل‌ها را از هم کم کرد و حسِ نزدیک‌تری به آنان داد تا کمی بهتر یکدیگر را درک کنند.

پس با او همراه شویم تا حس و حال قصه‌اش را درک کنیم: قصه‌گوی نسل سکوت در فصل سکوت!

بهمن رحیمی

تیرماه ۱۳۹۷ - تهران